



از همه مهربان‌تر

یک روز از مادرم پرسیدم: «دعا یعنی چه؟»
مادرم گفت: «دعا یعنی حرف زدن با خدا. در موقع دعا با خدا سخن می‌گوییم
و از او یاری می‌خواهیم.»



وقتی فهمیدم دعا یعنی چه، تقصیم گرفتم که من هم دعا کنم. چون خیلی کارها هست که باید از خدا بخواهم در انجام دادن آن‌ها مرا یاری کند. من دعا می‌کنم که پدر و مادرم همیشه سالم باشند. دعا می‌کنم پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های مهربان پیش ما باشند؛ چون بازی کردن و حرف زدن با آن‌ها را خیلی دوست دارم. روزی از مادرم پرسیدم: «چرا همه پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها را دوست دارند؟»

مادرم گفت: «چون آن‌ها بسیار مهربان هستند، همه را دوست دارند و به همه محبت می‌کنند.»

خدا کسانی را که به دیگران محبت و مهربانی کنند، دوست دارد.

خدایا، تو از همه مهربان‌تر هستی. من می‌دانم که تو انسان‌های مهربان را دوست داری. پس همیشه سعی می‌کنم با هم‌کلاسی‌هایم و حتی بچه‌های کوچک‌تر از خودم مهربان باشم تا تو مرا بیشتر دوست بداری!